آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

« بهای اشتراک »

سالیانه ۱۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «

برای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزء دولت [illegible]

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره :
([illegible])

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

درباره رهبر و رهبری

روز یکشنبه گذشته در یکی از [illegible] جنازه مرحوم [illegible] ... مرد بیکار ... عیب است [illegible]

مردم توی کوچه گاهی بیکار ... یک عده [illegible] یک حزب رهبر لازم دارد ...

[illegible]

وظیفه ... در درجه سهولت وصول بت هدف نقش بزرگی بازی میکند .

ما لازم میدانیم ... این مسئله در عصر حاضر روشن‌تر از آن است که ... وضیح باشد .

ازخاطرات زندان

نگارش ج. پ

[illegible]

اصلا قانون ... [illegible]

قانون و تاثیرات آن

[illegible]

ولی داور و جانشینان او ... از قوانین بسیار مهم آن دوره را اطلاع دارم که در شهرهای ... قانون ...

سپاسگزاری سفارت شوروی از تبریکات

سال نو

سفارت اتحاد جماهیر شوروی در ایران از ادارات و دوائر محترمی که [illegible] سفارت کارت تبریک و تهنیت فرستاده اند تشکرات خود را تقدیم میدارد .

تفسیر اخبار داخله

بعضی استخدامها

[illegible]

باز صندوق لوامانات

[illegible]

ورود سفیر کبیر شوروی

آقای [illegible] سفیر کبیر شوروی در ایران دیروز و آقای [illegible] سفارت شوروی دیروز پیش از آن با طیاره وارد طهران شدند .

عیدی کارمندان جزء قطع شد

[illegible] کارمندان جزء و دون اشل [illegible] حقوق [illegible]

تلگراف !

از مشهد

کمیته مرکزی حزب توده ایران [illegible]

از سبزوار

کمیته مرکزی حزب توده ایران [illegible]

از اصفهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران [illegible]

اتحادیه کارگران اصفهان

[illegible]

توزیع کالاهای دولتی بوسیله تثبیت قیمتها

[illegible]

بعد از اعلامیه رسمی دولت شوروی

[illegible]

مهمترین اخبار

اعلامیه شوروی

[illegible]

آرتش سرخ در ۲۵ میلی باختر بردیشف

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کریم کشاورز

از یادداشت های مسافرت گیلان

(استاسیون سفیدرود [illegible])

پشه‌های رستم آباد را [illegible] ... از رستم آباد پیدا نکرده بود ... [illegible]

خاطر ... [illegible] ... بین رستم آباد و سفیدرود [illegible]

[illegible]

[illegible]

مهمترین خبرهای خارجی

بیانات روزولت در کنگره آمریکا

واشنگتن - خبرگزاری [illegible] اطلاع میدهد روزولت رئیس جمهور آمریکا در پیام سالیانه خود به کنگره اجرای قانون خدمت ملی را پیشنهاد کرده است.

این پیشنهاد مشتمل بر مقرراتی است که [illegible] هیچ ماده [illegible] موجود اظهار داشت برای [illegible] تولید و منابع آمریکا که [illegible] توان [illegible] اقتصادی [illegible] در کشور [illegible] اجرای این [illegible] لازم وضروری [illegible] از این گونه روزولت [illegible] قانونی [illegible] صلح و امنیت عمومی میگردد [illegible] مشاغل [illegible].

[illegible] و همین افراد [illegible] طوری [illegible] بدست آورده و [illegible] استفاده نمایند.

[illegible] ما صلح خود را از [illegible] اساس و [illegible] تحصیل نمایند.

[illegible] تولیدی [illegible] در آمده و [illegible] بدست آورد که وسیله آن [illegible] کمران [illegible].

[illegible] جبات [illegible].

[illegible] شایسته و مناسبی برای [illegible] تشکیل [illegible].

روزولت اظهار داشت دولت امریکا در طی [illegible] قاهره و مسکو و تهران [illegible] نقشه های وسیع [illegible] مورد گرفته است و در این [illegible] و همه یک پیمان [illegible] مالی بوقوع پیوسته است.

دول متحده امریکا تصمیم گرفته اند که [illegible] روی [illegible].

ما آن اشتباهات و [illegible] را که [illegible] اصول [illegible] باشد دوباره تکرار نخواهیم کرد. ما افراط و تفریطهائی که در آغاز این قرن بوجود آمده بود و افراد ملت در عیش و عشرت راه افراط پیش گرفته بودند و همین مسئله بالاخره موجب خرابی کار گردید مجددا تکرار نخواهیم کرد. روزولت [illegible].

[illegible] آمریکا [illegible].

[illegible] ما [illegible] نیروهای [illegible] و [illegible].

اعلامیه ستاد ارتش متفقین در شمال افریقا

[illegible] ستاد ارتش متفقین در شمال [illegible].

[illegible] هواپیماهای [illegible] آهن [illegible] کرده [illegible].

[illegible] هواپیماهای [illegible] گردیده [illegible] مورد [illegible].

[illegible] سفری [illegible] گردید [illegible] بندر [illegible].

[illegible] هواپیماها [illegible] دشمن [illegible] هواپیماها [illegible].

روزنامه آذر

[illegible]

کارگران اتحادیه کارخانه کاسپیران

اعلامیه دولت شوروی در باره [illegible]

[illegible]

تحقیقات علمی در منطقه اورال

[illegible]

آگهی حصر وراثت

شماره ۳۰۰۳ - ۲۲ بانو فاطمه مشهدی فضل علی در خواستی شماره [illegible] بخواسته حصر وراثت مستند بر [illegible] و رونوشت شناسنامه [illegible] خلاصه [illegible] و صدور گواهی را درخواست نموده و توضیح داده [illegible] مشهدی فضل علی دارای شناسنامه شماره [illegible] در تاریخ ۲۲/۹/۱۵ در تهران [illegible] دائمی خود فوت نموده ورثه او [illegible] (متقاضیه) دختر متوفی که غیر از نامبردگان ورثه دیگری [illegible] از گواهی گواهان مراتب [illegible] نوبت متوالی [illegible] در مجله رسمی [illegible] گواهی میرساند چنانچه کسی را اعتراضی و [illegible] وصیت نامه [illegible] در دست داشته باشد ظرف سه ماه از تاریخ نشر [illegible] آگهی اعتراض خود را [illegible] تقدیم و با انقضاء مدت مزبور [illegible] رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و [illegible] صادر خواهد شد.

آ - ۲۱۱ — نوبت سوم ۲۲/۱۰/۲۱

رئیس شعبه [illegible] دادگاه بخش مرکز ابوالقاسم طالقانی

جبهه جنوب خاوری

مخبرین [illegible] جبهات [illegible] با جبهات [illegible] جنوب خاوری [illegible] در [illegible] هواپیماها [illegible] ([illegible]) و ([illegible]) و ([illegible]) و ([illegible]) [illegible] در نتیجه حملات هوائی [illegible] امریکا و [illegible] و انگلیسی [illegible] از جنوب هندوستان و [illegible] جزیره استرالیا و جزایر [illegible] مستقر [illegible] خواهد بود.

[illegible] ولی [illegible] برای ژاپونی‌ها بسیار مهلک خواهد بود.

خبرهای گوناگون

رادیوی مسکو اعلام [illegible] دو ژنرال آلمانی برای پاسخ جنایت‌های خویش محاکمه خواهند گردید.

[illegible] ژنرال [illegible] فرمانده [illegible] است که [illegible] دوتفر زن و دو [illegible] و دیگری ژنرال [illegible] فرمانده [illegible] سپاه ارتش آلمان بوده که او نیز مسئول و برای [illegible] میباشد.

***

رادیوی پاریس که در تحت [illegible] آلمانها است میگوید که رئیس سابق دبیرخانه حزب [illegible] در [illegible] توقیف گردیده است.

این شخص [illegible] از [illegible] محکوم است.

***

در روز [illegible] ایتالیا تشکیل گردید.

تصمیم گرفته شده است که [illegible]

جلسه و نام اعضای آن قبل از روز [illegible] افشاء نخواهد شد.

***

دونن اسپانیولی امروز در [illegible] الطارق بمناسبت عملیات خرابکاری امنیت ایستگاه دریائی انگلیس [illegible] در معرض خطر انداخته بودند [illegible] کردیده اند.

***

دسته‌های بزرگی از دژهای [illegible] و هواپیماهای لیبراتور که [illegible] هواپیمای شکاری همراه بودند [illegible] واقع در شمال باختری آلمان روز [illegible] حمله برده اند.

***

تفنگداران دریائی آمریکائی در حمله متقابله ژاپونیها را [illegible] ناحیه دماغه گلوستر در بریتانیای جدید دفع نموده اند.

***

کمسیونی که از طرف کمیته [illegible] ملی فرانسه مامور اخراج عناصر [illegible] است تاکنون حکم اخراج ۶۶ تن [illegible] بازداشت چهل و دو نفر را صادر [illegible] است.

پنج ژنرال و ۵ سرهنگ و [illegible] فرمانده و ۸ فرماندار و یک [illegible] مجلس و ۴ دادستان از کارمندان [illegible] رتبه‌ای میباشند که بدادگاه جلب شده‌اند و این دادگاه تحت ریاست [illegible] روز ۲۰ دسامبر اداره میشود.

***

اعلام میدارند که دادگاه نظامی [illegible] چند روز دیگر در الجزایر تشکیل جلسه داده و اشخاص زیر را محاکمه خواهند نمود.

نخست وزیر سابق [illegible] فرماندار سابق الجزایر [illegible] فرماندار سابق [illegible] افریقای باختری فرانسه [illegible] عضو اداره هواپیمائی و [illegible] ژنرال [illegible] و ۲۸۲ نفر دیگر

ترجمه کریم کشاورز — ۱۰ — نگارش جون بی. پریستلی

تاریکی گرتلی

چیز شگفت آوری است [illegible] کارخانه‌هائی وجود دارد که نصف اعضایش [illegible] هواپیما [illegible] تشکیل [illegible] ولی چنین کارخانه را هرگز ندیده بودم.

در ضمن گردش کارخانه یکی از اعضاء [illegible] برای کاری هیچم را [illegible] برد. سرجوخه شهربانی که نزدیک در ورود ما کسی صحبت میکرد بسوی من آمده و گفت

و یک لحظه تامل کنید. (گوئی من میخواستم از دستش فرار کنم) من میخواستم جواز شما را رسیدگی کنم » من با سادگی تمام جواب دادم [illegible] جواز دارم.

او گفت که بدون جواز گردش در [illegible] مجاز نیست و من پاسخ دادم که با مدیر کارخانه کار داشتم و [illegible] او هستم. شخصی از [illegible] شد و سؤال کرد «سرجوخه چه خبر است»

این شخص مرد محکم [illegible] بنظر می‌آمد و صورتش [illegible] مازوی ضخیمی شبیه بود ابروان [illegible] داشت و من بیاد مرتب‌های خودمان در جنگ گذشته [illegible] لباس [illegible] داشت ولی گوئی مونها او نپوشم [illegible] ترک گفته و حاضر است هر آن در [illegible] لباس ظاهر شود. بدیهی است که با لحن نرم و آمرانه سخن میگفت سرجوخه باشتاب سلام داد و من حس کردم که این مرد سراز یک جنس مرد [illegible] سرجوخه پاسخ داد:

« من فقط از او جواز خواستم ». تازه وارد گفت [illegible] کار صحیحی کردی من گفتم که باید برای [illegible] کسی را [illegible] کرد. [illegible] در این اواخر بی نظمی عربی در اینجا حکمفرما است » سرجوخه گفت [illegible] کرده و هر دو نگاه خشنی بمن کردند.

اینجور آدمها حتما تاج لازم دارند. اگر [illegible] در بین تیاتر و کمدی‌های بسیار [illegible] طرز رفتار [illegible] خواهند داشت.

من گفتم « من توضیح دادم که برای ملاقات [illegible] هیچم آمده بودم و با او یکجا در کارخانه گردش میکردم. ها این خودش است و میتواند کلام مرا تایید کند. »

تازه وارد گفت « خیلی خوب. سرجوخه سرجا تان بروید » سرجوخه نگاه چپی بمن کرده وسلامی داده و رفت. هیچم سر رسید و ما را باهم آشنا کرد معلوم شد این مرد دلاور همان سرهنگ تارلینگتون است که [illegible] در بارهٔ او صحبت میکردند. من تعجبی نکردم.

سرهنگ سرسری تعارفی کرده گفت.

« هیچم گوئی لبید [illegible] که داستو بورده [illegible] شده [illegible] »

هیچ‌کدام توجه [illegible] نکرده جواب داد

« [illegible] معلوم است. »

سرهنگ گفت

« ولی شما [illegible] این امر غیرقابل تحمل است. اسم او جزو صورت [illegible] او کمونیست است. »

هیچم [illegible] جواب داد

« آری [illegible] کمیسیون [illegible] خود کارگران انتخاب [illegible] « داستو بورده » را انتخاب کند [illegible] »

سرهنگ [illegible] گفت

« [illegible] که برخیا [illegible] از اینکه [illegible] جزئی [illegible] در این [illegible] هیئت مدیره صحبت خواهم [illegible] شما از [illegible] در این کارخانه [illegible] مخالف [illegible] و [illegible] کمونیست‌ها را [illegible] روز توی این کمیسیون انتخاب میکنند یک روز توی کمیسیون دیگری عضو میکنند و در شهر هم هرجا [illegible] که سرانجام این کارها چه خواهد بود. بشما اطلاع میدهم که اقدامات [illegible] بعمل خواهم آورد هم در کارخانه و هم در شهر [illegible] خیلی [illegible] »

او با خشکی تمام سری برای ما دو نفر تکان داد و دور شد. وقتی که از پله های [illegible] هیچم گفتم که [illegible] از آن هم در باره او چیزهائی شنیده‌ام.

هیچم پرسید

« در مرتبه [illegible] درباره تارلینگتون »

من گفتم

« آری. او چه جور آدمی است ؟ »

هیچم پاسخ داد « [illegible] او در کارهای تمام این ناحیه مداخله میکند.

او یکی از [illegible] این [illegible] است ولی در عین حال عضو هیئت مدیره [illegible] و امین صلح محل هم هست و هرچه بخواهید هست. مرد [illegible] که مردی است جدی [illegible] های پرحرارت و تصحیح ایراد کند. ولی همیشه فضولی [illegible] میکند.

حالا موضوع تازه [illegible] کرده است و همه [illegible] از فراریان آلمانی صحبت میکند. بفکرش چنین رسیده که همه شان جاسوس و عضو ستون پنجم هستند و ما را مجبور کرده است که یکنفر اطریشی خیلی ماهر و با استعداد را که در [illegible] شیمی‌فلزات تخصص داشت از کارخانه بیرون کنیم. هرچه کردیم نتوانستیم حالیش کنیم.

من گفتم: از « مومن پرستان » است.

هیچم جواب [illegible] داد و بعد گویا فکر [illegible] زیاد دور رفته است و گفت [illegible] های شما [illegible] بگیرید. این سوادها را هم که تهیه شده به هیئت مدیره خواهم داد. خوب سفارشنامه بعنوان روبسون مدیر کارخانه اصرت را بشما دادم. چنین نیست ؟ بسیار خوب.

ولی قبل از اینکه بمن اطلاع بدهید در آنجا قبول شغل نکنید. اینجا ما [illegible] لازم داریم. »

سرجوخه در موقع خروج من نزدیک در کارخانه ایستاده بود و گوئی افسوس میخورد چرا بهانه بدست ندارد که مرا بکلانتری ببرد. من تبسم بروی او کرده و دوستانه دستی تکان داده و بعد پشیمان شدم که چرا اینکار را کردم. در کار محافظ وقتی که دیگر هیچ چارهٔ دیگری نداریم متوسل به کمک پلیس محلی میشویم و لازم نبود که فقط برای رفع سوء ظن سرجوخه من از راهی که برای خود طرح کرده بودم خارج شوم.

ولی در آن لحظه بخصوص دلم اینطور خواست و در واقع این گلفتی بود که بمن خوش کردم.

در مهمانخانه « برمودکل » چای نوشیدم و مازور بونبری صاحب مهمانخانه را دیدم که با « پول‌اور » فناری رنگ و شلوار گلف نارنجی گردش میکند. پیش خود فکر کردم که حتما این آقای مازور با سرهنگ تارلینگتون [illegible] مشترکی دارند و در عین حال بخوبی میدانستم که تارلینگتون خیلی مهمتر است. (من موقع میآمدم که این آقایان را لاقل پیش خود بدون ذکر منصب و درجه‌شان نام ببرم. من از این آقایان « لباس شخصی » که اصرار دارند خود را یاور و سرهنگ بنامند خیلی عصبانی هستم) چندین نفر در مهمانخانه چای مینوشیدند و باهستگی صحبت میداشتند ولی هیچیک از اشخاصی که پیشتر دیده بودم مشاهده نمیشدند. در ضمن کشیدن پیپ راجع به آن اطلاعات محدودی که در طی روز بدست آورده بودم فکر میکردم ولی هنوز از این اطلاعات [illegible] نکرده و نتیجه سر رشته را پیدا نکرده بودم و مشاهدات من با آن اطلاعات نا چیز و کمی که در اداره خود مان بمن داده بودند جور در نمی‌آمد. حتی میخواستم فکر کنم که اخبار راجع به جاسوسی در گرتلی صحت ندارد. مشغول این فکرها بودم که ناگهان بلندگوی مهمانخانه اخبار جبهه را آغاز کرد.

گوینده رادیو میخواست ما را متقاعد کند اشکالات بزرگی که در خاور دور برای ما پیدا شده است با اینکه ما یک جلت شکاری آلمانی را فرود آورده و با چند اتومبیل باری آنان را در صحرای لیبی گلوله باران کرده ایم جبران شده است. این بر حولی مزخرف ده دقیقه بود که دوام داشت و احتمال داشت سخن رانی و نصایح یکی از مامورین درجه دوم دولت هم در دنبال آن ما را مورد تهدید قرار دهد.

باین جهت من تصمیم گرفتم از اطاق ناهار خارج شوم. باز خیلی دیرتر باز میشد و منی نداشت آنجا بمانم و انتظار بکشم.

www.iran-archive.com